



خوشنویسی دین دیبره

هنر سنی و مقدس آیین زرتشت

بخش نخست

با توجه به اینکه موضوع کلام الهی مسئله هنر مقدس در چهارچوب هنرهای دینی است و برخی ادیان معتقدند خداوند جهان را با کلام آفرید و هر آنچه هست مظاهری از اوست پس شرایطی برای هنرمندان دینی فراهم آورد تا در تجسم یا تجلی این کلام ازلی از صورتهای متفاوت هنری مطابق باماهیت دینی آنان که به چه میزان توانسته اند به این مورد تحقق بخشند استفاده کنند.

مریم فدائی

هنر نگارش در برخی از اعتقادات دینی ملتها جایگاه ویژه ای دارد مانند اسلام که در محدوده هنر دینی برای تجسم بخشی به کلام الهی بکار رفت و به عنوان هنر مقدس پذیرفته شده است نگارنده در این مقاله سعی دارد تا با استفاده از عواملی که توانسته به هنر خوشنویسی اسلامی بار تقدس دهد مانند مباحث کلامی - حرف و عدد و قلم که در قرآن کریم به آن اشاره می شود تقدس خوشنویسی زرتشتی را مطرح و بررسی کند

پیش گفتار:

از آنجا که دین زرتشتی مانند آیین هندو کمتر به خوشنویسی اهمیت می دهد اما آثار مذهبی زرتشتی به لحاظ خوشنویسی و زیبا نویسی حروف در سطح خوبی قرار دارند. خط دین دبیره خطی بدون نقطه است که توسط موبدان زرتشتی برای نسخه برداری آیات مقدس اوستا ابداع گردید. درباره پیشینه خطوط دینی ایرانی این مقفح گفته است « ایرانیان ۷ نوع خط داشتند که یکی برای نوشتن احکام دین اختصاص دارد و به آن دین دبیره - دین دفیره - و دین دفره گویند که دراصل دین دیپوره است و خط کلمه دینی و خط دینی اوستا است» (ابن ندیم ، ۱۳۴۳: ۷). همچنین گفته شده سرودهای آیین مهر را با خطی می نوشتند که بر گرفته از لغت (دی پی) است « این خط به شکلی بود که خالق آن پیرو (دویسنه) بودند و این آیینی بود منشعب از آیین مهر و مردم مازندران به این دین بودند و اوستا در آغاز با خطی که با نقوش و علائم بودروی پوست گاو نوشته شد و این خط را (دیویری) می گفتند.» (همایون فرخ ، ۱۳۸۴: ۲۴۶ و ۲۴۷). دین دبیره نام خط اوستایی است و لفظ (دین) در نام گذاری این خط مفهوم خاصی دارد مثلاً در لهجه اوستایی به آن (دئنه) گویند و در زبان پهلوی ساسانی واژه (دین) با (یای) مجهول بیان میشود و در متون بندهش همه جا به جای کلمه اوستا واژه (دین) بکار رفته است و همچنین در آیین مهر فرقه ای وجود داشت که فرشته روشنایی را تقدیس می کرد و در زبان فارسی باستان (دی) خوانده میشد این آیین را (دی و ه یسنه) می گفتند که در زبان اوستایی (دو dve -) و در پهلوی (دو daeva) و در سانسکریت (دوا) و در زبان پهلوی (دیو) شده است « (دوا) در زبان سانسکریت به جای خدا بکار می رود و به معنی نوراست که از ریشه (دی) می باشد و آن نام فرشتگان و امشاسپندان مهر است که همگی از نورو پرتو هستی می گرفتند.» (همان : ۴۲۲) و کلمه (دیب دین) نامی از اسمای الهی بود و نام فرشته ای است که روز ۲۳ هر ماه بنام او نامگذاری شده است در این روز از دی ماه مغان جشن می گرفتند یکی از کاملترین الفبای جهان الفبای (دین دبیره) است در ارتباط با پیشینه خط اوستایی یا دین

دبیره آمده است « زرتشت کتاب اوستای معروف خود را آورده و عدد سوره های آن ۲۱ و هر سوره در ۲۰۰ ورق و عدد حروف و اصواتش ۶۰ حروف و صوت و هر حرف و صوتی شکل جداگانه ای داشت و از آنها حرفی تکرار و حرفی اسقاط میشود زیرا که مخصوص زبان اوستا است این خط را زرتشت احداث کرده و آن را دین دبیره گویند» (بهروز ، ۱۳۶۳: ۲۱).

با اینکه کتابت عربی یک نوع است و در آن گوناگونی است و فقط از حروف آن قلم های گوناگون بدست می آید اما در نوشتار فارسی تنوع وجود دارد نوشتار فارسی در گذشته هفت فن داشت که محمدموبد معروف به ابو جعفر متوکلی در سال ۲۵۰ ه. ق آنها را ذکر کرده است نام های آن شامل آدم دفیره - کشته دفیره - نیم کشته دفیره - فرورده دفیره - راز دفیره - دین دفیره است. آدم دفیره برای نوشتار عامه و کشته دفیره برای کتابت و دین دفیره برای قرائت کتب دینی زرتشت بکار می رفت و از آنجا که متون مقدس اوستایی به هنگام اجرای مراسم آیینی خوانده میشود هر گونه اشتباه در قرائت موجب شکست اجرای مراسم می شد پس موبدان با دقت روشهای گوناگون برای یادآوری و تلفظ درست آیات اوستا وضع کردند زیرا از چند قرن پیش از میلاد در ایران و هند دعاها و سرودهای مذهبی با زمزمه و آهنگ خوانده می شد و عقیده بر این بود اگر سخن با آهنگ صحیح و زیبایی خود ادا نشود تأثیری ندارد پس علم تجوید حروف مخصوص برای ضبط زمزمه یا قرائت کتب مذهبی بوجود آمد که ریشه این علم بیشتر بین عالمان به کتابت اوستا و کتب هندویی بود و بعد از اسلام در ایران برای درست خواندن آیات مقدس قرآن بکار گرفته شد در زمان حجاج بن یوسف در عراق اختلاف میان مسلمانان در خواندن آیات قرآن بوجود آمد و برای جلوگیری از آن از کاتبان ایرانی خواستند تا علم تجوید و خواندن صحیح آیات قرآن را احیا کنند در این زمان حروف معجم کوفی از خطوط قدیم ایران اقتباس گردید این علم طبق مدارک تاریخی باقیمانده در سال ۸۰ ه. ق در میان مسلمانان رواج یافت و ایرانیان مسلمان با سوابقی که در تقسیم و تنظیم آهنگ آیات داشتند توانستند در این راه پیشقدم باشند یعنی علم

می گفتند و برای نگارش از واژه (نی پشت) استفاده میشد زیرا داریوش بزرگ در کتیبه بغستان در ۶ مورد لفظ (دیپی) را به جای خط به این شرح بیان کرده است: « تو که زین پس این (دیپی) بخوانی ، کرده من تورا باور شود آنرا دروغ میندار - خواست اهورامزدا ، مرا کرده های دیگری است که در این (دیپی) نوشته نشده - همچنین خشایارشا در کتیبه (وان) ارمنستان نوشته او (داریوش) فرمان داد این سنگ را برآشد تا بر آن (دیپی) نوشته شود پس لفظ دیپی همان خط بود که در زمان داریوش بکار میرفت » (همایون فرخ ، ۱۳۸۴ : ۵۰۳ و ۵۰۴) .

در رابطه با بحث تقدس قلم در متون دینکرت مطالب جالبی بیان می شود مثلا « زرتشت دین آورد یعنی زرتشت اوستا آورد ، دین که دئنه است به معنی (قلم و نوشته) است و فرشته موکل خط و قلم را همان دئنه نامیدند و روز بیست و چهارم از همراه خورشیدی به نام فرشته موکل خط و قلم نامگذاری شده است و دین دیویری یا دین دبیره یعنی خط قلمی که همان خطی است که با قلم نویسند » (همان : ۲۵۲) آریایی ها از دوره های کهن برای خط و قلم موهبتی آسمانی الهی قایل بودند و آن موکلی از فرشتگان می دانستند این فرشته در آیین مزدیسنا متعلق به عقاید و آیین های پیش از زرتشت است چون منقول است که (دین) نام فرشته ای است که به محافظت قلم مامور بود و نام روز ۲۴ از ماههای خورشیدی بوده و در این روز فرزند را به مکتب می فرستادند واژه دین از واژه (دئنه) آمده که به معنی شناختن و اندیشیدن است و واژه های (دیب دین - دیبا دین - دیبا ذر) همه جا بنام فرشته و یا یکی از نام های الهی پنداشته می شود همچنین ابوریحان بیرونی در فهرست نامه های ایرانی به واژه (دین) اشاره کرده است و آن را فرشته ای محافظ و نگهبان قلم می داند این اعتقاد به تفکر زرتشتی (امشاسپندان) باز می گردد « در اندیشه زرتشتی (بهمن) نخستین زاده خدا است و اوست که گزارش های روزانه از اندیشه و گفتار و کردار مردمان را تهیه می کند » (هینلز ، ۱۳۸۵ : ۷۱ و ۷۲) . بهمن = وهومنه = اندیشه نیک - همان مظهر خرد خداست که در وجود انسان فعال است و چون نخستین زاده اهورا مزدا بشمار می آید ، می تواند معادل عقل اول یا لوگوس یا

تجوید علمی که کلمه آن از اصل (جاد) گرفته شد و معنی لغوی آن معرب کلمه (گات) است که در زبان اوستایی یعنی خواندن با آهنگ است تمام این موارد به تقدس کلام و صیانت در خواندن کلام مقدس اوستایی اشاره دارد در خط اوستایی یا دین دبیره برای نمایش صدای کشیده ، حروف را با ارقام هندسی ترکیب می کردند و حروف تازه ای می ساختند زیرا ترتیب حروف آن بر مبنای علمی است و حروف می بایست مطابق تقسیمات در تجوید بکار رود از دیرباز در ایران اهمیت درست خوانی و زیبا نویسی مورد توجه مجالس شاهانه و مراکز دیوانی بوده است تا جایی که در شاهنامه از خوشنویسی به عنوان یکی از امتیازات دبیران واجد شرایط برای ورود به دربار نام برده شده است در کنار پیشرفت ها و ترقی های که در حوزه فرهنگی ایران دوره ساسانی بوجود آمد مفهوم زیبا نویسی واجد اهمیت بود حتی مراکز جهت کتابت دایر میشد مثلا در رساله کوتاه خسرو کوتان و ریدک از جوانی در دربار خسرو نقل می شود که فضایل خود را به شاه چنین وصف می کند: مرا دبیری چنان است که خوش نویس و تند نویس باریک اندیش و کامکار انگشت و فرزانه سخن ام .

بیشتر مطالب نویسه های فارسی ایران در اسطوره های آمده است مثلا می گویند « اول کسی که به فارسی سخن گفت کیومرث بود که در نزد زرتشتیان او همان ابوالبشر است و یا بقولی اول کسی که به فارسی نوشت بیوراسب پسر ونداسب معروف به ضحاک است و گویند فریدون زمانی که زمین را بین پسرانش تقسیم کرد به هر یک ثلثی بخشید و این را در نامه نوشته و به آنان داد و یا نقل شده اول کسی که خط نوشت جمشید شاه بود و در زمان گشتاسب نوشتن توسعه یافت » (ابن ندیم ، ۱۳۸۱ : ۲۰ و ۲۱) .

خط آریایی نخست برای نگارش اوستا و سرودهای مذهبی بکار میرفت و موید این نظریه کشف الواح و نوشته های تخت جمشید است بنا به روایتی اولین کسی که خط نوشت جمشید بود که اهریمن و دیوان به فرمانش بودند در حقیقت آنها خط و نوشتن را به او آموختند بر اساس سنگ نبشته های کهن ایران به خط ، کلمه (دیپی)

اهورا مزدا آفرینش هستی را بر مبنای کلام مقدس قرار داد (توهستی که هر دو جهان را از طریق کلام ربانی پدید آوردی - گات ۳۱) تمام تعلیمات اهورامزدا در کتاب مقدس اوستا بر مبنای وحی (کلام مقدس) بیان می شود و این کلام ایزدی می بایست در قالب مناسک و اجرای مراسم آیینی به منزله اطاعت و فرمانبرداری از آن ایراد شود تا نیروهای مثبت را برای حفاظت از روان و روح تقویت کند تا این جا مشخص می شود درک و فهم معانی باطنی (کلام مقدس الهی) برای متفکران زرتشتی از مهمترین اصول به جهت حفظ وظایف دینی محسوب می گردد زیرا زرتشتی معتقد است

جهان به خدا تعلق دارد و باید با دستکاری ، نیروهای مثبت جهان هستی را تقویت کرد تا در مبارزه با شر پیروز شوند و این همیاری فقط با سلامت روح و روان و کوشش و نوآوری انجام می گیرد و اگر آدمیان باتمسک به سه اصل اعتقادی (اندیشه - گفتار - کردار) نیک به عالی ترین هدف برسند و با خدا یکی شوند (راستی و حقیقت) در زندگی آنها تحقق یافته و به نمونه انسان کامل می رسند (مرد پارسا) . به باور آنها تمام ارزش انسانی در گروهی توجه به خدا مدیر کائنات و سرمنشاء مخلوقات است چیزی که اساس (جهان بینی - خدا شناسی

- انسان شناسی) آنها را بر مبنای اعتقاد به (فر - حضور مطلق اهورامزدا و اخلاقیات نیک استوار نمود این سه اصل باعث گردید تا اندیشه زرتشتی نسبت به خدا ، جهان و انسان رو به حضور حقیقت مطلق باشد که تماما رو به وحدت است چیزی که در نهایت منجر به رستگاری و نیکبختی انسان می گردد و این بدست نمی آید جز با حضور معنوی (کلام الهی) .

قلم در اندیشه زرتشتی باشد (مطابق با اندیشه اسلامی اولین چیزی که خدا خلق کرد عقل بود و قلم بود) و به احتمال زیاد منظور از فرشته محافظ قلم در اسطوره های ایران و عقاید زرتشتی همان (بهمن - وهومن) است همچنین این امشاسپندان (فرشته مقدس زرتشتی) چون اعمال و کردار بندگان را روزانه ثبت می کند می تواند به عنوان کاتب الهی شناخته شود و هم ردیف کاتبان الهی در قرآن به کار ثبت اعمال انسانها بپردازد. در بین زرتشتیان اعتقادات خاصی نسبت به مظاهر الهی اهورامزدا وجود دارد زیرا بنا به این باور هر چیز خوب و سودمند آفریده اهورایی است همچنین جهان پاک ایزدی را از جهان تیره اهریمنی جدا می دانستند و راجع به هموردان این دو، از الفاظ و کلمات و تعبیرات خاصی استفاده می کردند که لفظ و معنایی در هنگام سخن گفتن از فرشتگان و نیکان با کلمات ایزدی و در هنگام سخن گفتن از دیوان از کلمات اهریمنی استفاده می کردند این کلمات شامل اسماء و افعال خاصی است که در دو دسته ایزدی و اهریمنی قرار دارد که با حروف دین دبیره ساخته می شوند مانند « واچ ، واک : به معنی (سخن و گفتار مقدس) است » (پور داوود ، ۱۳۸۰ : ۲۳۵) .

سه واژه ایزدی مانند (ایزدان - یزت - ایزد) در اصطلاح اوستا به معنی خداوند است و هر سه از مصدر (یسن) و (یستن) به معنی پرستش گرفته شده اند این واژه در کتاب (ودای هندو) بلفظ (یچته) آمده و به معنی چیزی است که شایسته پرستش باشد همچنین از کلماتی می توان نام برد که در مجموعه حروف خاص زبان اوستایی به منزله کلام خجسته نام برده شده است و نام برخی فرشتگان ایزدی و لغاتی هستند که به نام خدا باز می گردند مانند : اکرن (بی کران و بی مرز و بی پایان) - ارشئات (ایزد راستی و دادگری) - رشوچنگه (گفتار راست - واژه های راست) - اهور (زندگی بخش - هستی بخش - نام خداوند در نزد ایرانیان) - اونگهئیری (نخستین نژاد - سرآغاز ریشه نخستین هستی) - اوخو چنگه (نیایش به خدا) اوپ پئئیری (نخستین ، اولین رده) .

ارزیابی :

دین زرتشت جزو ادیان باستانی است که به کلام مقدس ارزش خاصی می دهد و پیروانش معتقدند





خوشبویی دین دیرره

هنرمندی و مقدس آیین زرتشت

مریم فدائی

بخش پایانی

دیگر به آن توجه بسیاری دارد. در تفکر زرتشت، کلام مقدس الهی مجری قانون راستی (اشه) نظام طبیعت و همچنین القاء کننده مفاهیم باطنی (حقیقت) در زندگی است که به آنها یاری می دهد نسبت به اصل روح و روان خود معرفت یابند و در قالب (مرد پارسا) نمایانگر صفات و اسماء الهی اهورا مزدا بر زمین باشد. صفات و اسمایی که بنا به اندیشه زرتشتی از نورالانوار بوجود می آیند و به اشکال

(ای زرتشت... هرکسی در جهان جسمانی کلام مرا دردل تکرار کند ... به قلمرو نور بی پایان رسد- یسنا / ۱۹) تمام حقیقت زرتشتی بر اساس نوربنیان گذاشته شده، نوری که به شکل کلام الهی نازل شد و مبنای هستی است و به آن (نور الانوار = خورنه اوستایی) می گویند. بحث کلام از بنیادی ترین مباحث دینی در اثبات تقدس ادیان و همچنین به عنوان منشاء آفرینش بکار می رود و دین زرتشتی مانند ادیان

فروغش درخشیدند و با خرد خویش اشه را بیافرید تا بهترین نقش را پشتیبان و نگهبان باشد تو اکنون همانی، پس به مینوی خویش آن را بیافزای.

از این جمله مشخص می شود نور در اندیشه اهورامزدا آفریده شد و این نور = کلام الهی است که عقل اول یا خرد مقدس و فرشتگان نامیرا را آفرید و انسان ترکیبی از (نور - عقل - روح) است که می بایست لیاقت رسیدن به همان بهشت برین را داشته باشد این (مینوی خویش) در آیه فوق همان فروهرهای الهی اند که ماهیت نورانی دارند و مطابق با اندیشه اسلامی موجودات اعیان ثابت هستند که در مقام احدیت به واحدیت خلق شدند و هنگام نزول به جهان هستی از بالقوه به فعل در آمدند و پس از دمیدن نفس رحمانی (روح الهی) در آنان به جریان در آمدند در اندیشه اسلامی بیان شد: روح از امر خداست و بخواست خود آن هنگام که در عالم ذر بود وارد عالم ماده شد تا با آموزش اسمای الهی به کمال برسد و این روح فره وشی، همان روح اسلامی است ارواحی که از نورالانوار خلق شدند و انسان نورانی را ساختند و این انسان همان (تو اکنون نیز همانی) است که می بایست سرانجام به مینوی خود ملحق شود (روح و عقل و نور) ۳ صفت مشخص اهورایی است و همه هستی مظاهر انوار اویند و نور الهی اهورا در قالب مهین فرشتگان به عنوان اسماء و صفاتش به هستی حیات می بخشد و این نور همان کلام خداست (نورالانوار = فر) از ذات ازلی اهورا بدست می آید پایه گذار دو اصل بنیادی اندیشه زرتشت گردید یعنی (روح - عقل) روح در قالب فرشتگان نامیرا قرار گرفت و این فرشتگان مقدس به منزله کارگزاران او در عالم خلقت در صورت و معنای مظاهر هستی تجلی یافتند و همگی رو به اویند و عقل (خردمقدس) همان شکل معنوی فرشته مقدس زرتشتی (وهومنه = بهمن) = (لو گوس مسیحی = امرالهی اسلامی وکن) است که در تکوین هستی به وظیفه خود عمل می کند بنا به عقیده صاحب نظران زرتشتی فقط یک خرد جهانی در امر تدبیر و حفاظت جهان مادی و معنوی دخالت می کند و آن (عقل الهی یا عقل کل = وهومنه یا بهمن) است این فرشته مقدس زرتشتی به عنوان عقل اول معادل قلم الهی است که از نورالانوار برمی خیزد و در اندیشه اسلامی برابر با (روح القدس = جبرئیل) است که سردسته فرشتگان عالم الهی می باشد، پس در شریعت زرتشتی بین فرشته (امشاسپندان) و روح تفاوت چندانی نیست زیرا از جهت

فرشتگان مقدس نامیرای امشاسپندان تجلی یافته اند و این فرشتگان تجسم اسماء او محسوب می شوند به این سبب آنها جهان مادی را تمثل (نورالانوار = اهورامزدا) دانسته اند زیرا خداوند با کلام خودنور را آفرید این کلام الهی به منزله نوری که از ذات الهی (فر) بر می آید به هستی حیات می دهد و اهورا مزدا با کلام نورانی خود در قالب (امشاسپندان) به دو گونه مادی و معنوی تجلی می کند به نحوی که تجلی مادی او به شکل نور و آتش در جهان ظاهر می شود و نشان دهنده (قانون راستی) یا (اشه) است حقیقت اهورامزدا نور است و این نور الهی دربدو پیدایش جهان همواره فعال بوده است. بین تعالیم دینی ادیان تشابهات بسیاری در موضوع تکوین هستی با کلام خدا مشاهده می شود و در این میان نگارنده سعی دارد تا با تطابق معانی باطنی برخی الفاظ مرتبط با موضوع هنر خوشنویسی به نقطه مشترکی برسد از آنجا که دین زرتشتی جزو ادیانی است که با اسطوره در آمیخته است پس جهان هستی را به منزله محل نزول ارواح و فرشتگانی می داند که با نام (ایزدان - امشاسپندان) با دیوان و اکوان (مظاهر اهریمن) در حال نبردند در نتیجه برای تمام خلقت و هر آنچه آفریده شده به دو دسته اهریمنی و اهورایی قابل اند و حتی برای روزها و بویژه کلمات خود صفات اهریمنی و ایزدی بکار می برند و این دو صفت نه از دو وجه مطلق جداگانه (اهورا - اهریمن) خلق شده اند بلکه اهریمن به منزله دشمن راستی و خوبی ها در جهان (انگرمینو) در برابر (سپنتامینو) خرد مقدس قرارداد و آفریننده بدی هاست و در قلمرو تاریکی قرار دارد در حالیکه (سپنتامینو) متعلق به جهان پاکی و به قلمرو نورتعلق داشته و اهورامزدا خالق هر دو نور و تاریکی است به این دلیل جهان مادی برای آنها نمادی از نورالانوار پنداشته می شود و هر چقدر روح و روان انسان از نور ایزدی که مظاهرش در همه جا است فاصله بگیرد به تاریکی نزدیک تر می شود در حالیکه حقیقت اهورامزدا همان نوراست و می بایست برای رسیدن به حقیقت و راستی، حقیقت (کلام مقدس) اهورامزدا آموزش داده شود و با عمل به پندار، کردار و گفتارنیک بتوان به مظاهر نور در جهان یاری داد تا در مبارزه با اکوان به پیروزی رسد و این امکان ندارد جز از راه پیوستن به مینوی مقدس که همان الحاق به حقیقت سپنتامینو است. تمام حقیقت آیین زرتشتی درینسا ۳۱/۷ به این شکل بیان می شود: اوست نخستین اندیشه وری که روشنان سپهر از فرو

آفریننده (عقل و روح) است مطابق با گات ۳۱/۷ بیان شده است روح زرتشتی سازنده (فره وشی) ایزدی جهان است و در اندیشه اسلامی یادآور روح القدس (جبرئیل) و حتی روح حضرت زرتشت یا پیامبر اسلام ص می باشد این روح به عنوان یک فرشته در قالب وهومنه = بهمن فرشته نامیرای مقدس زرتشت قرار گرفت و به منزله عقل الهی یا خرد مقدس به تدبیر جهان مشغول گردید. طبق آموزه های اسلامی از این نور، قلم آفریده میشود زیرا با قلم کتابت هستی صورت گرفت بین معانی باطنی قلم الهی در اندیشه اسلامی با فرشته موکل قلم دردین زرتشت تشابه جالبی دیده می شود زیرا خط دین دبیره به معنای لغوی (دبیره) یعنی نگارش = دبیره = نویسندگی است دین = (دئنه) اوستایی به نوشته و نام فرشته موکل خط و قلم باز می گردد که روز ۲۴ هرماه را مغان بنام او جشن می گرفتند و کودکان خود را به مدرسه می فرستادند. فرشته موکل خط و قلم، اصلش نورالهی است نوری که از (فر) زرتشتی ساطع می شود وجوهر آن همان ذات امشاسپندان است وفرشته (بهمن = وهومنه) به منزله خرد الهی = عقل اول یا عقل کل است که با نگارش ارتباط دارد عقلی که با قلم الهی قرآن کریم مطابقت معنایی دارد و این عقل همان بهمن است. همچنین این قلم می تواند همان فرشته (دئنه) باشد زیرا قلم (دئنه) زرتشتی برای نگارش کلمات الهی اوستا را به خط دین دبیره می نویسد و واژه (دین) از دئنه است و نام فرشته ای است که به (و جدان) تعبیر می شود فرشته ای که روان انسان را پس از مرگ در زمان عبور از پل چینوت ملاقات می کند. خط دین دبیره با ماهیت فرشته کلام مقدس اهورایی را که حاوی نیرو یا روح الهی است می نگارد و به کلمه (مانسر) به مفهوم کلام مقدس اهورا مزدا اشاره می کند زیرا کلمات اوستا در اندیشه زرتشتی به (مانسر) به معنی وحی الهی = امر الهی و کتاب مقدس اوستا است و با روح الهی برابر است. زرتشت خود را حامل وحی = کلام الهی دانسته و به خود (مانترن) می گفت. بنا به اندیشه زرتشت کلام الهی، نور است و نور، کلام خداست و این نور و کلام به اشکال متفاوت وحی شده اند و حروف آن می تواند حاوی روح یا نورالهی باشد روحی که قالب حروف ارتباط دهنده دو جهان است (کلمات پاک به سوی او بالا می روند - سوره

به عنوان روح القدس در راس تمام ارواح فره وشی قرار می گیرد و از طرفی فرشته ای از امشاسپندان است. تمام مظاهر خلقت بر مبنای فرشته باوری و ظهور روح اهورامزدا خلق شده اند و زرتشتی برای ارتباط معنوی با آنها به منزله تجلی صفات اهورا مزدا سعی در اجرای آیین مذهبی داشته و در این میان کلام مقدس اوستا برای آنان منزلت خاص دینی یافته است زیرا این کلام (وحی) به آنها یاری می دهد تا با اهورا مزدا ارتباط یافته و با شناخت او حقیقت صفاتش را در زندگی جاری نمایند.

در مبانی نظری هنر دینی زرتشتی به مواردی مانند (آتشکده ها - حجاری ها - منزلت نور و آتش) اشاره ای شده است که تماما کانونی برای پاسداشت این نوع ارتباط الهی اند اما آنچه در اماکن مقدس حفظ گردید و جزو آداب آنان محسوب می شد کلام مقدس اوستا است که به شکل (اوراد - شعر - سرود) بیان می گردید و از ابتدا برای نگارش و نگهداری متون آن از نوعی حروف الفبای خاص بهره بردند، حفظ اصل گاتها وصحیح خواندن متون آن به دلیل تاثیر گذاری روحی و معنوی کلمات الهی آن سبب گردید تا امر نگارش خط مدتها مورد توجه قرار نگیرد اما بعدها به دلیل خطر انحراف و فراموشی آن کاتبان زرتشتی از خطی موسوم به دین دبیره برای ثبت کلام الهی اوستا استفاده کردند. خط دین دبیره خطی دینی است زیرا برای نگارش کلام اوستایی بکار می رفت و بنا به دلایلی می تواند ارزش داشته باشد همانطور که درسطور قبل بیان شد زرتشتی برای تمام مظاهر خلقت به فرشته، روح مقدس اعتقاد دارد که تماما منشاء نورانی دارد واز نور الانوار بوجود آمده اند این نور همان (خورنه) است و برابر با کلمه ... (یا نورمحمدی است و به این لحاظ می تواند با روح الهی زرتشتی یکی باشد این روح همان سپنتامینو یا روح امینی است که در شریعت اسلامی به آن جبرئیل گفته اند عاملی که واسطه انتقال کلام خداست کلمه ... اسلامی = نورالانوار = کلمه الهی زرتشتی است و دراندیشه زرتشتی روح همان فرشته است و نام دین دبیره برای نام گذاری خط مقدس دینی بی دلیل انجام نگرفته است زیرا به یکی از فرشتگان مقدس این آیین ارتباط دارد خداوند با کلام خود = نورالهی آفرینش را آغاز کرد واز این نور، قلم لوح را بوجود آورد و با این قلم، نگارش هستی آغاز گردید (نور) در فلسفه زرتشتی

نورالهی
دین دبیره

قادرند تا توانایی شناخت (عقل - نور - روح) را بدست آورند.

منابع و مراجع:

- ۱- ابن ندیم . محمد بن اسحاق ، (۱۳۴۳) ، « الفهرست » م رضا تجدد ، ابن سینا ، تهران
- ۲- باقری . مهتری ، (۱۳۸۵) * « دین های ایران باستان، نشر قطره ، تهران
- ۳- بهار . مهرداد (۱۳۸۵) ، « جستاری در فرهنگ ایران »، نشر اسطوره ، تهران
- ۴- بهروز . ذبیح (۱۳۶۳) « دین دبیره »، نشر فروهر تهران
- ۵- پورداوود . ابراهیم (۱۳۴۷) « یشتها »، جلد یک ، نشر طهوری ، تهران
- ۶- پور داوود . ابراهیم ، (۱۳۳۶) « یادداشتهای گاتها » انجمن ایران شناسی ، تهران
- ۷- دار مستتر . جیمز (۱۳۴۲) « وندیداد اوستا » ، موسی . جوان ، نشر رنگین ، تهران
- ۸- شنکایی . مرضیه (۱۳۸۱) « بررسی تطبیقی اسمای الهی » ، نشر سروش ، تهران
- ۹- عباسیان . احمد ، (۱۳۸۵) « کولت : فلسفه و آیین زرتشت » ، نشر دشت مشوش ، تهران
- ۱۰- نوریخس . سیما (۱۳۸۴) « نور حکمت سهروردی ، نشر سعید محبی ، تهران
- ۱۱- هیلنز . جان (۱۳۸۵) « شناخت اساطیر ایران » ، ژاله آموزگار ، احمد . تفضلی ، نشر چشمه ، چاپ ۱۰ ، تهران
- ۱۲- همایون فرخ . رکن الدین ، (۱۳۸۴) « سهم ایرانیان در پیدایش و آفرینش خط در جهان » ، نشر اساطیر ، تهران
- ۱۳- اوستای مقدس

فاطر (۱۰ /) کلمات ایزدی اوستا حاوی نورند و با تکرار آن آدمیان به نورالانوار می رسند زیرا (کلام متون اوستایی = مانسر = وحی = روح و نور) است و (نور و کلام) و (روح و عقل) از مفاهیم معنوی برخوردارند تا جایی که تجلی نور را آتش دانستند که در عالم مادی با نفس ناطقه انسان ارتباط دارد زیرا نفس انسان را یاری می دهد تا به شناخت (عقل و نور) نایل آید «سهروردی آتش را برادر نفس ناطقه انسان می داند» (نوریخس، ۱۳۸۴: ۶۴) نفس ناطقه انسان از عقل الهی ناشی می شود و آتش از عالم عقل فیض می برد و این عقل الهی همان نور (فر) یا به گفته سهروردی نورمجردی است که به آن بهمن گفته اند. گفته می شود نخستین آفریده اهورامزدا و اولین پرتو او از نورالانوارش بهمن است و این فرشته به مفهوم عقل اول یا کلام الهی می رسد زیرا در تفکر زرتشت بهمن به معنی (اندیشه - فکر و منش نیکو) است و همان خردجهانی است زرتشتی برای کلام خود دو جنبه مقدس و نامقدس قایل اند و در طبقه بندی لغات ایزدی از واژه (واک) به معنی سخن و گفتار مقدس نام می برند و عدد ۱ برای آنها به منزله (خلق اول یا آفریده اول) نامیده می شود مطابق با اندیشه اسلامی اولین آفریده خداوند (روح اعظم پیامبر اسلام ص) یا همان نور یا عقل اول است و درجایی دیگر از روح نام برده اند که در تفکر زرتشتی این روح و عقل ناشی از نورالانوار می باشد و معادل لوح و قلم اسلامی است درحوزه حروف اوستایی عدد ۱ همان (الف) است که زرتشت براساس آن اهورامزدا را آغاز و انجام نامیده است (ایوداد - یسنا ۳ / ۸) ساختار بصری حروف اسلامی و دین دبیره بربیک میناست تاجایی که حروف دوم آنها حرف (ب) است اما تنها حرف مقدس مشترک بین این دو (الف) می باشد. تمام صفات و اسماء اهورایی از فرشتگان اهورایی هستند و با وهومنه به عنوان (اولین تعین اهورامزدا = عقل الهی) آغاز می گردند تا به آخرین آن (امرداد = فرشته مقدس نامیرا) می رسند و آشنایی با صفات این فرشته گان برای متفکر زرتشتی به منزله رسیدن به معرفت ازلی است که از (نفس) آغاز می شود و سرانجام به مرتبه (مرد پارسا = کیومرث) می رسد و کسانی که توانسته اند درعالم اندیشه به ذات خود رسیده و درعالم قدسی عروج کنند